



درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲ اردیبهشت ۱۴۰۴

مصادف با: ۲۳ شوال ۱۴۴۶

جلسه: ۳۲

موضوع کلی: سوره بقره

موضوع جزئی: آیه ۶۰ - بخش‌های پنج‌گانه آیه - بخش سوم: «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا» -

مطلب چهارم و پنجم - بخش چهارم: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» - مطلب اول

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللَعْنُ عَلَى اِصْدَائِهِمْ اَجْمَعِينَ»

مطلب چهارم

از بخش سوم آیه ۶۰، دو مطلب باقی مانده است؛ سه مطلب را در جلسه گذشته بیان کردیم. مطلب چهارم این است که چرا در این بخش فرموده دوازده چشمه از این سنگ به وجود آمد، «فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا»؛ جهت آن چیست؟ این واضح و روشن است که افراد قوم موسی تعدادشان زیاد بود و همگی نیازمند آب بودند؛ بدیهی بود که به محض دسترسی به آب، هجوم بیاورند و این منشأ نزاع و مشاجره بین آنها شود. این نزاع‌ها و مشاجره‌ها معمولاً از یک نقطه نه‌چندان مهم آغاز می‌شود و منجر به قتل و نزاع خونین و فتنه‌های بزرگ می‌شود. لذا خداوند تبارک و تعالی برای پیشگیری از چنین فتنه‌ای و به منظور اکمال آن نعمت، برای هر دسته از آنها یک ماء معین و آب مشخص قرار داد که این آب‌ها با هم مخلوط نمی‌شدند؛ در یک مسیری بودند که امکان استفاده از آن برای قوم موسی وجود داشت. چون آنها دوازده فرقه و جمعیت و سبط بودند؛ لذا بر مبنای فرقه‌ها و جمعیت‌های مختلف قوم بنی‌اسرائیل تبدیل شد به دوازده چشمه.

سؤال:

استاد: در اینکه جمعیت زیاد بوده بحثی نیست؛ اما اینکه ششصد هزار نفر بودند، نمی‌توان شاهی بر این ادعا ذکر کرد. بنا را بر این می‌گذاریم که جمعیت زیادی بودند؛ منتها این جمعیت زیاد، گروه‌ها و فرقه‌هایی را شامل می‌شد. شما یک لشکر را در نظر بگیرید که تبدیل به چند تیپ و گردان و گروهان و دسته تقسیم می‌شود؛ تقریباً این تقسیم‌بندی و دسته‌بندی آنجا هم بوده است. یعنی دوازده سبط بودند که برای هر سبط، یک عین را قرار داد. وقتی در یک طایفه قرار می‌گیرد، معمولاً این نزاع‌ها بین افراد یک طایفه پیش نمی‌آید.

سؤال:

استاد: یعنی آنها دوازده سبط بودند؛ در سوره اعراف این مطلب به صراحت بیان شده است. ...

مطلب پنجم

در ادامه بخش سوم، فرموده: «قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ»، هر گروه و دسته‌ای، مشرب خودشان را می‌دانستند. دو نکته از این فقره از آیه قابل بیان است.

نکته اول: اینکه می‌فرماید «قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ»، از کجا این را می‌دانستند؟ علی‌الظاهر مأموریه بوده؛ یعنی به هر گروه و

دسته‌ای امر شده بود که لایشرِب إِلَّا مِنْ عَيْنِ خَاصٍّ، و الا تَكُونُوا أَيْنَهَا نمی‌توانستند هر کدام به سوی یک مشرب هدایت شوند؛ این دستور بوده که مثلاً این سبط در کدام مشرب قرار بگیرند؛ سبط دیگر در کدام مشرب؛ این براساس دستور معین شده بود.

نکته دوم: اینکه «مشرِبهم» به صورت اضافه بیان شده و می‌گوید مشرب آنها، به این جهت است که خداوند تبارک و تعالی برای هر سبطی از این اسباط دوازده‌گانه، یک عینی را قرار داده بود. طبیعتاً اختصاص آن عین یا مشرب به هر گروه، مجوز اضافه آن مشرب به آن گروه را فراهم می‌کند. این مبتنی بر این نیست که یک علاقه ملکی باشد؛ حتماً باید اینها مالکیت داشته باشند تا بگوییم «مشرِبهم»، بلکه خود اختصاص و امر به اینکه هر سبطی دارای یک مشرب است، مجوز آن می‌شود که این مشرب به آنها اضافه شود و بگویند «مشرِبهم».

سؤال:

استاد: همانطور که اشاره شد، هدف اصلی پیشگیری از منازعه و مشاجره بود؛ طبیعتاً کسانی که این دستور را زیر پا می‌گذاشتند (این چندان دور از ذهن هم نیست)، به عنوان متمرّد و عاصی محسوب می‌شدند؛ هر دستوری به یک معنا به عنوان امتحان و آزمایش تلقی می‌شود. اینکه مأمور تا چه اندازه به این دستور پایبند است و عمل می‌کند، این خودش مبنایی برای آزمایش است و البته پاداش و عقوبت هم به حسب اطاعت و عصیان نسبت به امر مترتب می‌شود؛ این منافاتی ندارد که این قوانین و مقررات برای ایجاد انتظام و جلوگیری از هرج و مرج و نزاع باشد.

بخش چهارم: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ»

کأن مقدر این بخش این است: فقلنا لهم کلا و اشربوا من رزق الله، یا قال لهم کلا و اشربوا من رزق الله. ممکن است این دستور از ناحیه خداوند مستقیماً به آنها ابلاغ شده، لذا می‌گوید فقلنا لهم. یا اینکه می‌گوید قال لهم، موسی این چنین گفت. در هر صورت اینجا جمله‌ای حذف شده و ذکر نشده است.

اینجا باید چند مطلب در مورد این بخش از آیه ذکر کنیم.

مطلب اول

مطلب اول اینکه چطور حکایت تاکنون به صورت ماضی بود ولی اکنون به صورت امر و فرمان آمده است؟ در صدر آیه فرمود: «وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ»، تا اینجا افعال ماضی است و حکایت می‌کند که بنی‌اسرائیل این چنین مورد خطاب قرار گرفتند و این دستور داده شد و این اتفاقات افتاد؛ اما الان بدون کلمه قلنا یا قال، یک دفعه می‌فرماید «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ»؛ از فعل ماضی و حکایت، مبدل شد به امر و فرمان؛ التفات از ماضی به امر نکته‌ای دارد و آن اینکه کأن می‌خواهد یهودیان زمان پیامبر(ص) را مورد خطاب قرار دهد و توجه آنها را به این نکته معطوف کند که شما هم «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ». کأن با یک تیر دو نشان می‌زند؛ هم اشاره می‌کند به آنچه که در گذشته بوده و هم اشاره دارد به یهودیان عصر نزول؛ هر چند همه آیات قرآن الی یوم القیامه مخاطب دارد و مخاطب آن همه انسان‌ها هستند؛ اما اینجا وقتی در زمان پیامبر(ص) آیه به این نحو نازل می‌شود، در واقع به دنبال آن است که یهودیان زمان پیامبر(ص) را خطاب قرار بدهد و کأن در ذهن مردم و یهودیان عصر نزول، حضور بنی‌اسرائیل و خطاب خداوند به آنها را مجسم کند. یک صحنه واقعی و زنده در برابر یهودیان عصر نزول ایجاد می‌کند که این علاوه بر ایجاز، لطافت و حکمت هم در آن دیده می‌شود؛ به جای اینکه بگوید ما به آنها چنین گفتیم و اکنون به شما هم چنین

می‌گوییم، کأن اینها را موجز کرده و گفته «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ».

بحث جلسه آینده

مطلب دوم این است که چرا می‌گوید «كُلُّوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ»؛ چرا بعد از بحث استسقاء و اشاره به سقی و سیراب شدن، امر به اكل کرده است؟ بعد هم در ادامه می‌فرماید: «رزق الله»؛ بعضی‌ها «رزق الله» را منحصر در ماء دانسته‌اند، لذا ناچار شده‌اند «كلوا» را به نحوی معنا کنند که با این ترکیب سازگار باشد. بعضی‌ها «رزق الله» را اعم دانسته‌اند و «كلوا» را معطوف به من و سلوی دانسته‌اند که قبلاً ذکر شده است. ان شاء الله جلسه آینده تفصیل این دو نظر و دیدگاه را بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمين»